



نقشه گفتمان حسینی از شرق آسیا تا مدیترانه

# ائتلاف جهانی حسینی (ع)

## قسم به معنی لایمکن الفرار از عشق که پر شده است جهان از حسین سرتاسر



میلاذ جلیل زاده  
روزنامه‌نگار

مسجد ختانه، مسجدی در شهر نجف است که طبق نقل های تاریخی، زمین آن، دو بار در عزای ائمه (ع)

نشستی ناپذیری آنها با مستبدان و ظالمان، از دستاوردهای همیشگی فرهنگ عاشورا است. داستان وارشان خون خدا در شش گوشه عالم، ناتمام است و نمی توان آن را در چند جمله و چند ورق گنجانده؛ اما مطالبی که در ادامه آمده اند را می توان کوششی دانست برای به اشتراک گذاشتن بخش کوچکی از این عاطفه ناتمام؛ بین تمام آنها که معیارشان حقیقت است و پیرو مکتب عاشورا هستند. در این گفت و گوها که با شیعیان، مبلغان مذهبی، فعالان رسانه ای و کارگزاران دستگاه دیپلماسی ایران در کشورهای مسلمان، راجع به کیفیت توجه به مراسم عاشورا در نقاط مختلف دنیا انجام شده، مشخص می شود که جریان مرتجع تکفیری و فرقه جعلی و ضاله وهابیت، خصوصاً از سال ۲۰۱۱ و اتفاقات موسوم به بهار عربی، سعی فراوانی کرده تا این شعله پرفروغ خاموش شود و به اختلافات بین مسلمانان دامن زده شود. اما نام و یاد و پرچم های سالار شهیدان، ۱۴ قرن است که زنده بر فراز هستند و همچنان خواهند بود. بی شک این حق است که می آید و می ماند و باطل، نابود خواهد شد. آنچه در ادامه می خوانید، حاصل گفت و گوهایی با کارشناسان با اتباع ۶ کشور مسلمان یعنی بوسنی و هرزگوین، لبنان، مصر، سوریه، عمان و بنگلادش است که به صورت یادداشت شفاهی درآمده اند. سید مهدی میرهادی؛ مدیر شبکه سحر بالکان، شیخ علی اسدی؛ مبلغ ایرانی تشیع در لبنان، مجتبی امانی؛ رئیس پیشین دفتر حفظ منافع ایران در مصر، محمد هادی تسخیری؛ رابزن فرهنگی ایران در کشورهای آفریقایی و آسیایی و محمد مهدی حسن، مبلغ مذهبی از کشور بنگلادش، در این گفت و گوها شرکت کرده و هر کدام جزئیات خواندنی و قابل توجهی را گفته اند. با مطالعه این مطالب می توان به شناختی کلی درباره وضعیت جهان اسلام و جایگاه مکتب تشیع و فرهنگ عاشورا در آن دست پیدا کرد. این نکته هم قابل اشاره است که عمده عزاداری هایی که در اینجا به آنها اشاره شده، امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا یا به صورت آنلاین برگزار می شوند یا تحت تأثیر شدید بهداشتی برگزار خواهند شد.

ناله کرده است؛ یک بار در زمان تشییع امیرالمومنین (ع) و یک بار بعد از واقعه کربلا. علت نامگذاری مسجد هم همین است. در این مسجد ستونی قرار داشته که هنگام تشییع شیشانه امیرالمومنین (ع) از کوفه به نجف، وقتی بدن مطهر آن حضرت را از کنار این مکان عبور می دادند، این ستون از حزن و تأسف خم شد. دوم بار اما به هنگام حمل سرهای مبارک شهیدان کربلا به کوفه، سر مقدس ابا عبد الله (ع) را بر زمین این مسجد گذاشتند. گفته اند در این هنگام صدایی شبیه به ناله بچه شتری (حنانه) که مادرش را گم کرده باشد، بلند شد. دیر قدیمی مسیحیان به نام 'حناء' که در این محل قرار داشت، از آن به بعد مسجد حنانه نام گرفت. اما چرا این مسجد حنانه شروع کردیم؟ وقتی روایت های گوناگون از انواع عرض ارادت و محبت به امام حسین (ع) در اقصی نقاط دنیا کنار هم قرار داده می شوند، این احساس به وجود می آید که قلب مسلمانان؛ و نه فقط مسلمانان، بلکه تمام آزادگان جهان، مثل عبادتگاهی است که طبق فرموده قرآن، همراه با تمام اجزای خلقت، در و دیوار آن پیوسته ذکر خدا می گویند؛ اما این تا وقتی است که سر ابا عبد الله یک شب در مجاورت این در و دیوارها منزل کند. حالا دیگر کار از ذکرهای آهسته و زمزمه های درونی می گذرد و صدای ناله است که بلند می شود. چهارده قرن گذشته و می بینیم که همچنان سفر روحانی سر مقدس سیدالشهداء در اقطار تاریخ و مکان های مختلف دنیا ادامه دارد و صدای مویه هایی که کاخ مستمرگران را می لرزاند، بلند است. او کشته اشک چشم هاست و زنده ماندن نام و یادش، دردمندی و دغدغه مندی را در انسان ها زنده نگه می دارد. او برای تمام بشر در تمام نسل ها اسوه آزادی خواهی و یک پیام رباهی بخش از ظلم است. برادری ملت های مستضعف، سوای از اختلافات قومی شان و در مقابل،



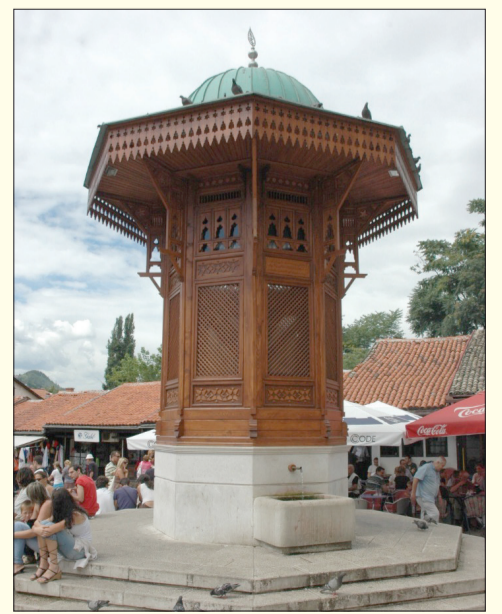
سید مهدی میرهادی، مدیر شبکه سحر بالکان

## آخرین سقاخانه مدیترانه

مطالعه بیشتری کنند و با آنها آشنا شوند.

بعد از زمان جنگ طبیعتاً جریان عوض می شود؛ افرادی که تا دیروز نمی دانستند چرا کشته می شوند، در طول جنگ درمی یابند که به دلیل مسلمان بودن کشته می شوند. خیلی از افرادی گفتند می دانستیم مسلمان هستیم ولی نمی دانستیم یعنی چه یا چرا باید به خاطر این موضوع کشته شویم. در کنار این بحث، کمک های ایران وجود داشت؛ ورود داوطلبانی از کشورهای اسلامی و مجاهدین هم بود که اصولاً بحث های اسلامی توسط آنها داغ شد و این امر به پایان جنگ و استعمار کشور بوسنی ختم شد. حالا از فضای کمونیستی بیرون آمده ایم، عرصه باز و شناخت مردم از اسلام بیشتر شده است. اکنون جامعه به شکل ملموسی مذهبی تر شده و مظاهر آن کاملاً مشخص است؛ افراد مجرب بیشتر شده و مدارس دینی قدرت گرفته اند، همچنین تعداد مساجد زیاد شده است؛ مساجدی که در زمان جنگ تخریب شده بودند، بازسازی شده اند. در ماه رمضان اینکه فضای افکار دسته جمعی باشد، در گذشته وجود نداشت، فستیوال تواشوخ خوانی یا الهیه خوانی برگزار نمی شد، اعیاد را جدی جشن نمی گرفتند، تعطیلی در عید فطر، عید قربان و... نداشتند، قربانی کردن رایج نبوده است، اما حالا این نمونها بیشتر شده اند. یک مساله جالب این است که استفاده از کلمه سلام، یعنی سلام کردن هم رواج بیشتری یافته است. طبیعتاً آنها در کشور خودشان واژه دیگری را استفاده می کردند. بعد از جنگ مشخصاً مسلمانان وقتی یکدیگر را می بینند به هم سلام می کنند که این یک نشانه هویتی است.

«در بوسنی بناهایی وجود دارد که شبیه سقاخانه است و مسلمانان منطقه به عشق ابا عبد الله (ع) ساخته اند. در قدیم چند صد نمونه از این ها وجود داشته است. یعنی هر شهری، هر جایی، برای خود از این ها داشته است. به مرور خیلی از این ها از بین رفته اند. برخی سوخته، برخی تخریب شده و برخی را کمونیست ها از بین برده اند و فقط یکی باقی مانده است که به نوعی سمبل شهر هم شده است. به زبان عثمانی با رسم الخط فارسی-عربی هم شعری روی آن نوشته شده با این مضمون که هر کس آبی می خورد، از او (امام حسین (ع)) یادی کند.»



اساساً بحث شیعه و سنی در بوسنی تا قبل از مسائل مربوط به بهار عربی مطرح نبود. بعد از جنگ، نیروهای موسوم به مجاهدین فعالیت هایی را در بوسنی شروع کردند و به دنبال این بودند که دیدگاه های سلفی، افراطی و وهابی را در منطقه گسترش دهند. بعد از جنگ هم از سوی کشورهای همچون عربستان حمایت شدند و مرکز فرهنگی و مسجد ساختند و سعی کردند قشری را آموزش دهند. اما به رغم تمام اینها در سال های بعد از جنگ اگر در بوسنی قدم می زدید و به یکی می گفتید شما شیعه هستید یا سنی، متوجه سوال شما نمی شد و تفاوت آنها را نمی دانست. مردم می دانستند پیامبر ما حضرت محمد (ص) و کتاب آسمانی مان قرآن است و یا هم برادریم و کل اسلام را به شکل یک امت می دیدند.



وهایی ها و سلفی ها در بوسنی سعی می کنند بیشتر از تعداد واقعی شان دیده شوند و به چشم بیایند؛ در نتیجه از فضاهای شبکه اجتماعی اعزام فیسبوک، یوتیوب و... استفاده می کنند. اگر سرچ کنید جلسات سخنرانی و تبلیغات وهابی را پیدا می کنید. کارهای رسانه ای فعالی دارند و بزرگ ترین رسانه ای که آنجا فعالیت می کند الجزیره است. بقیه در این ابعاد نیستند و خط مشی شان به این اندازه روشن نیست. الجزیره اصلی ترین است.



هرچه جلوتر می رویم، بحث های مربوط به ۱۱ سپتامبر مطرح می شود و به بهار عربی می رسیم. در این مقاطع رسماً عرصه تقابل شکل می گیرد. دووبایی که در خاورمیانه شکل گرفته بود، به جامعه کوچکی به نام بوسنی منتقل می شود که طبیعتاً آن را یک سری از کشورهای منطقه همچون عربستان می آوردند. آقایان وهابی معروف به آدم های ریش بلند و سیل و پاچه کوتاه هستند و خانم ها روپند می زنند. گزارش هایی بود که اینها برای قدم زدن در شهر پول می گیرند تا این شیوه ظاهر را ترویج کنند. ترکیه هم سعی داشت یک سری تفکرات اخوانی را در آنجا تقویت کند که همه اینها در دوره هایی نزدیک به هم بودند و بعداً مسیرشان جدا شد، همان طور که در نبرد سوریه هم این چنین بود. حالا مردم بوسنی می فهمند به نوعی کسانی شیعه و کسانی سنی هستند ولی هنوز غالباً مردم این طور نیستند که صف بندی کنند. عامه مردم هنوز دیدگاه وحدت دارند و می گویند ما همه مسلمانیم. در بوسنی اگر آدمی باشد که ریش بلند و سیل کوتاه نداشته باشد - که نشانه وهایی بودن است - از او بپرسید شیعه یا سنی است، یا شما بحث نمی کنید.

جزیره بالکان برای مردم بالکان است و سحر هم شبکه ای مستقل برای مردم بالکان دارد که به لحاظ بودجه ای فکر نمی کند نزدیک آنها باشند. در نتیجه حدود ۷۰۰ نفر داعشی از منطقه بالکان بوده اند. این منطقه شامل بوسنی، کوزوو، آلبانی و جنوب صربستان است. بالاخره وقتی پول خرج کنید، آدم ها این چنین می شوند، طبیعی است. یک سری زمینه های اعتراضی در گفتمان داعش نسبت به وضعیت فعلی وجود دارد که باعث می شود اینها به داعش توجه کنند. امام حسین (ع) هم این زمینه را دارد و برای کسی که به او فشار آمده و راه گریز را شیوه رفتار او می داند، یک پیام رباهی بخش است. اساساً باید این پیام به آنها برسد، به عبارتی بحث این است که آیا ما توانسته ایم پیام را برسانیم؟ زن محبت به اهل بیت (ع) در جامعه بوسنی وجود دارد و این زن مدتی است که خفته است. مردم بوسنی از اسامی اهل بیت (ع) برای فرزندان شان استفاده می کنند؛ علی اسم فراوانی است. برای مثال علی عزت بگویند نام رئیس جمهور آنها بود. یعنی غیر از درویش بقیه هم نام علی را استفاده می کنند. حسن و حسین و باقر و صادق و کاظم و... استفاده می کنند. باقر عزت بگویند، پسر علی عزت بگویند هم یک دوره ای رئیس جمهور بود. نام کاظم را متفاوت ادای می کنند. رضا استفاده می کنند. اسم مهدی خیلی استفاده نمی کنند، مگر اینکه به تازگی باب شده باشد. هادی هم دارند و با جواد زیاد نامگذاری می کنند. یک نکته جالب در بوسنی چیزهایی شبیه سقاخانه وسط شهر است. البته الان فقط یکی از آنها وجود دارد که جز نمادهای بوسنی هم به حساب می آید. داستان این سقاخانه ها آقای اولیا چلبی، مورخ عثمانی و سفرنامه نویس تشریح کرده است. او درباره ایران هم نوشته و نسخه ای از کتابش در ایران هم به چاپ رسیده است. این مورخ نقل می کند در بوسنی چیزهایی وجود دارد که شبیه سقاخانه است و مسلمانان منطقه به عشق ابا عبد الله (ع) بنا کرده اند، حتی تعداد آنها را به صورت حدودی بیان می کنند. چند صد نمونه از اینها وجود داشته است، یعنی هر شهری، هر جایی، برای خود از اینها داشته است. به مرور خیلی از آنها از بین رفته اند؛ برخی سوخته، برخی تخریب شده و برخی را کمونیست ها ویران کرده اند. به بهانه بازسازی و گسترش شهری این اتفاقات افتاده است. این طور نبود که دستور بدهند همه را تخریب کنند، به مرور زمان از بین رفته و فقط یکی باقی مانده است که به نوعی سمبل شهر هم شده است. در عکس های بوسنی این نماد وجود دارد و به زبان عثمانی با رسم الخط فارسی-عربی هم شعری روی آن نوشته شده با این مضمون که هر کس آبی می خورد، از او (امام حسین) یادی کند. شعری با این مضمون و مشخص است که به اسلام ربط دارد.